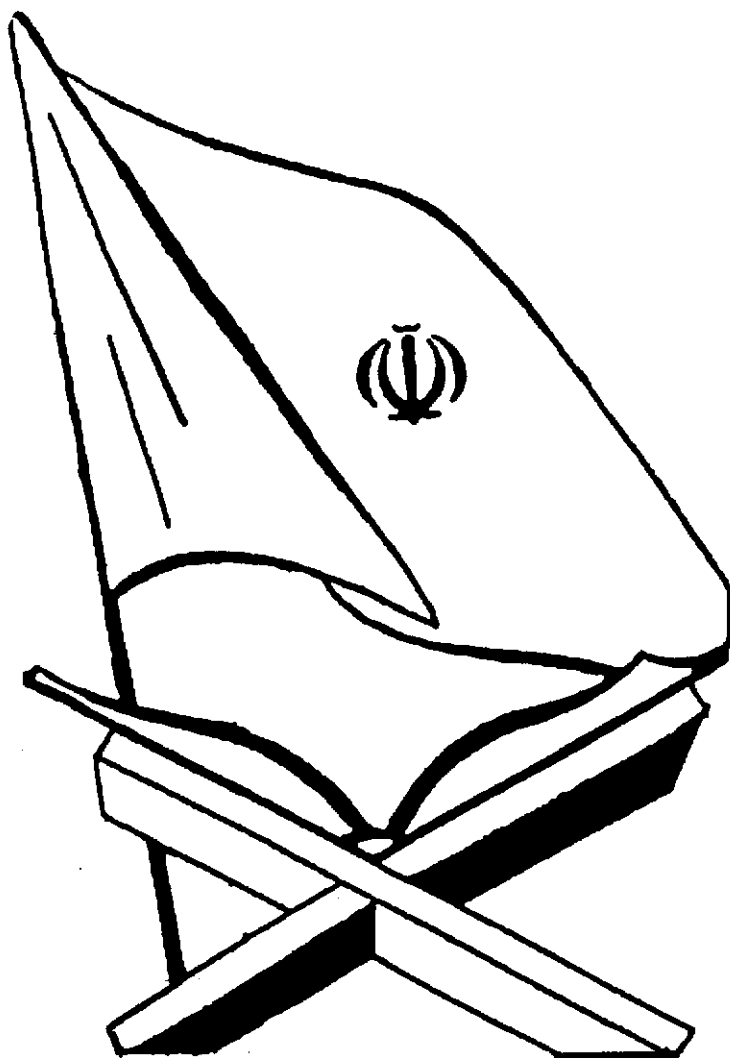


مردم سالاری دینی از منظر قرآن کریم

علی دهبی



● اضلاع مقدس انقلاب اسلامی

انقلاب اسلامی ما اضلاع مثلث زمینی دارد و یک مبنای مقدس آسمانی که بر سه ضلع مثلث نهاده می‌شود. یک حرکت خاکی و یک مکمل افلاکی. این سه ضلع عبارتند از مکتب، رهبر و مردم که به اختصار آنها را معرفی می‌کنم: مکتب: یکی از ضلع‌های مثلث خاکی حرکت انقلاب مقدس اسلامی «مکتب» است. آن هم مکتب اسلام؛ مکتبی که مجاهد پرور و ستیزآموز است، مکتبی که شورآفرین و حماسه خیز است. مکتبی که جهاد فی سبیل الله را در ردیف عبادت‌ها آورده، مکتبی که می‌گوید:

﴿قُلْ إِنَّمَا أَعْطَكُم بَرَاذِعَ أَنْ تَقُومُوا لِلَّهِ مَشْنُوْنَ وَ فُرْدَىٰ ثُمَّ تَنْفَكِرُوا﴾ (۱)

همه اندرزها را در یک اندرز عصاره می‌کنم و آن این است که برای خدا برخیزید و قیام کنید.

ولو یک نفر یک نفر، ولو دو نفر دو نفر ...

پس مکتب، اولین ضلع از اضلاع مقدس انقلاب اسلامی است.

رهبر: ضلع دیگر، پیشوا و رهبری متصل به پروردگار است (چه پیامبر ﷺ و چه امام معصوم علیه السلام و چه نائب امام معصوم در عصر غیبت) نایی که خصوصياتی همچون: ادراک از دین و ادراک از مردم داشته باشد، به خدا اتکا داشته باشد، خود باور باشد و بگوید: (و الله تا به حال از غیر خدا نترسیده‌ام) زندگی او هم این کلام را تأیید و تصدیق کند. مردم: ضلع سوم مردم و حضور آگاهانه مردم است. مردمی که بگویند:

تا در آغوش بگیرم تنگ تنگ

مرگ اگر مرد است گو نزد من آی

یا بگویند: (بکشید ما را اسلام زنده‌تر می‌شود)

یا بگویند:

نهی لنا تلقوا بگیرد او به دست

آنکه مردن پیش چشمش تهلکه است

سارعو آید مرو او را در خطاب

و آنکه مردن پیش او شد فتح باب

مردمی که متصل به مکتب هستند، مردمی که متصل به پیشوا و رهبر دینی خود هستند و با اتکا به همین مکتب و آگاهی‌بخشی همین رهبر، توانستند شاهد شیرین پیروزی انقلاب را در کام کشند.

● مکمل افلاکی

آنچه به عنوان مکمل افلاکی مورد نظر است عنایات و امدادهای الهی حضرت حق نسبت به مردمی مؤمن و معتقد است. بد نیست ما یک مقایسه‌ای بین جنگ‌های (بدر و احد) داشته باشیم:



سازگار

در جنگ بدر مسلمانان تابع محض رسول الله ﷺ بودند و موجودی خود را کف دست نهادند، خداوند هم فرشتگان را فرستاد و به مجاهدین روحیه داد و امدادهای خود را نصیب آنان گردانید و این به خاطر آن بود که زمینه زمینی امدادهای خداوند، فراهم شده بود.

در جنگ احد این فرمول زمینی در یک جا خلل یافت و علی رغم تأکید رسول الله ﷺ به حفظ تنگه احد، عده‌ای از مسلمانان به طمع غنیمت، تنگه را رها کردند و دشمن ضربه زد.

اگر یک ذره را برگیری از جای خلل یابد همه عالم سراپای

امدادهای الهی در انقلاب اسلامی نیز پرتوافکن است.

حضرت امام خمینی (ره) در ۲۱ بهمن ماه ۵۷ فرمودند: (مردم! بریزید توی خیابان‌ها) یکی از بزرگان به حضرت امام تلفن می‌زند که آقا این دستور خطرناک است. حضرت امام فرموده بودند: (اگر نظر حضرت ولی عصر «عج» این باشد چه می‌گوئید؟

بعد از پیروزی انقلاب اسلامی خود حضرت امام (ره) فرمودند: واللّه من نبودم که به شما گفتم (بریزید توی خیابانها) اصلاً به ذهن ما این نکته نمی‌آمد. این الهام پروردگار بود، این عنایت الهی بود.

اینجا زمینه زمینی امدادهای الهی فراهم شد و خدا این الهام را به ذهن امام فرستاد، که اینها می‌خواهند کودتا و حمام خون ایجاد کنند. اگر مردم بیابند به خیابانها این توطئه خشنی خواهد شد و اینچنین هم شد.

در ماجرای طبس و حضور مقتضحانه نظامیان امریکا در صحرای طبس، رقیب کارتر گفته بود: (به کارتر حمله نکنید، کارتر طرحش را خوب اجرا کرد. طرح، طرح زیبایی بود، فقط خدا با ایرانیان بود و با ما نبود) یعنی او هم متوجه شده بود که یک دست غیبی حرکت خالص این مردم را تأیید و همراهی می‌کند.

خداوند می‌فرماید:

«بَلَىٰ إِنْ تَصْبِرُوا وَتَتَّقُوا يَا آتُوكُمْ مِنْ فَوْرِهِمْ هَذَا يُمْدِدْكُمْ رَبُّكُمْ بِخَمْسَةِ آلَافٍ مِنَ الْمَلَائِكَةِ مُسَوِّمِينَ» (۲)

کسانیکه در راه ما صبر و تقوا پیشه سازند امداد خاص ما شامل حال آنها می‌شود.

راهکارهای قرآن برای مردم سالاری دینی

خوب است به عنوان زمینه یک تحقیق، خطابه‌های «یا ایها الذین آمنوا...» و «یا ایها الناس» های قرآن را بشمارید و بر روی آنها تأمل کنید و روی مطالبی که بعد از «یا ایها الناس» ها آمده است، دقت نمایید!

قرآن کریم با «الله» و «بسم الله» آغاز می‌شود و با «ناس» تمام می‌شود. دو سوره «نساء» و «حج» با خطاب «یا ایها الناس» شروع می‌شود. در قرآن کریم (۶۷ مرتبه نام انسان و خصوصیات آن ذکر شده است.

قرآن کریم در آن آیه معروف می‌فرماید :

«إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّىٰ يُغَيِّرُوا مَا بِأَنفُسِهِمْ» (۳)

معنای صحیح آیه این است که : خدا تغییر در وضعیتان نمی‌دهد تا شما خودتان را تغییر بدهید، اگر خودتان را تغییر دادید لایق خواهید شد که خدا وضعیت جامعه‌تان را هم تغییر بدهد.

عمل به خطاب‌های قرآنی و اصلاح خود و زمینه‌سازی ظهور عنایت الهی موجب می‌شود که خداوند وضعیت شما را تغییر دهد و شما را از ضعف به قدرت و از جهل به علم و از گمراهی به هدایت رشد دهد.

خداوند هدایت را به خود نسبت می‌دهد. خداوند به پیامبر ﷺ فرموده است :

«إِنَّكَ لَا تَهْدِي مَنْ أَحْبَبْتَ وَ لَكِنَّ اللَّهَ يَهْدِي مَنْ يَشَاءُ» (۴)

(ای رسول ما) چنین نیست که هرکس را تو بخواهی هدایت توانی کرد لیکن خدا هرکه را خواهد هدایت می‌کند به عبارت ساده‌تر اینکه، کار پیامبر ﷺ فقط سیم‌کشی شبکه انسانی است و برق و حرکت را خداوند درون آنها وارد می‌کند.

خود پیامبر اکرم ﷺ هم در نماز می‌خواندند «إِهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ» (۵)

هدایت در این‌جا نه به معنای نشان‌دادن راه صواب از غیر صواب است، بلکه به معنای پیش بردن یک فرد در راه صحیح متصل شونده به خداوند است. وقتی راه درست را انتخاب کرد، پیش رفتنش وابسته به توجهات خداوند است.

حتی خود نبی اکرم ﷺ هم باور کرد «وَ وَجَدَكَ ضَالًّا فَهَدَيْتَنِي» (۶).

معنایش چنین است : منهای عنایت پروردگار هیچکس راه نمی‌یابد، نبی اکرم ﷺ هم راه نمی‌یابد.

خداوند حتی تیر انداختن را به خود نسبت می‌دهد «وَ مَا زَمَيْتَ إِذْ زَمَيْتَ وَ لَكِنَّ اللَّهَ زَمَى» (۷)

و (ای رسول) چون تو تیر افکندی نه تو بلکه خدا افکند. مردم در حفظ و حراست قرآن و ارزش‌های قرآنی زحمت می‌کشند و تلاش می‌کنند اما خداوند حفظ قرآن را به خود نسبت می‌دهد.

«إِنَّا نَحْنُ نَزَّلْنَا الذِّكْرَ وَ إِنَّا لَهُ لَخَافِظُونَ» (۸).

(البته ما قرآن را بر تو نازل کردیم و ما هم او را محققاً محفوظ خواهیم داشت)

فعالیت جمع‌کنندگی از مردم برای کشاورزی و باغداری مشخص است، اما خداوند می‌فرماید :

«أَفَرَأَيْتُمْ مَا تَحْرُثُونَ ؕ أَنْتُمْ تَزْرَعُونَهَا أَمْ نَحْنُ الزَّارِعُونَ» (۹).

آیا ندیدید تخمی را که در زمین کشتید؟ آیا شما آن تخم را (از خاک) رویانیدید یا ما رویانیدیم؟

در انقلاب ما هم انقلابگر خداست و او نور اسلام و هدایت را در دلها تابانید و مردم خواستار انقلاب اسلامی شدند.

مرحوم علامه شهید مطهری (ره) فرموده‌اند : (پدیده‌های مادی را پنج چیز احاطه کرده است)

- نیاز

- تغییر

- وابستگی

- محدودیت

- نسبیّت

در واجب الوجود هیچ کدام از این قیدها راه ندارد، او نه نیازمند است، نه تغییر می یابد، نه وابسته است و نه نسبیّت در امر او راه دارد. اما ما مخلوقات حضرت حق تمام این قیود را داریم (با تفاوتی جزئی که در مجردات محض با ما وجود دارد).

ما، فقیر الی الله هستیم و آنچه در دست ماست امانتی است که خداوند به ما عنایت فرموده تا ما را بیازماید. «فَإِذَا مَسَّ الْإِنْسَانَ ضُرٌّ دَعَانَا ثُمَّ إِذَا خَوَّلْنَاهُ نِعْمَةً مِنَّا قَالَ إِنَّمَا أُوتِيتُهُ، عَلَىٰ عِلْمٍ، بَلْ هِيَ فِتْنَةٌ» (۱۰)

«آری آدمی چون رنج و دردی به او رسد ما را می خواند و باز چون نعمت و دولت به او دادیم گوید این نعمت به استحقاق و تلاش نصیب من گردید (چنین نیست) بلکه این (نعمت و دولت) امتحان وی است»

حال، خداوند همین انسان فقیر که در دایره نیاز، تغییر و وابستگی و محدودیت و نسبیّت قرار داد را به عنوان خلیفه خود بر روی زمین انتخاب نموده و به او نعمت و دولت داده تا او را بیازماید و رشد دهد.

حال، خداوند از انسان به عنوان خلیفه خود یاد می کند.

- قوام و ترکیب زیبای انسان :

«لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ فِي أَحْسَنِ تَقْوِيمٍ» (۱۱)

- کرامت و ارزش انسان :

«وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ وَخَلَقْنَاهُمْ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ» (۱۲)

- انسان کامل، خلیفه خداست :

«وَإِذْ قَالَ رَبُّكَ لِلْمَلَائِكَةِ إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً» (۱۳)

- انسان کامل مسجود ملائکه است :

«وَإِذْ قُلْنَا لِلْمَلَائِكَةِ اسْجُدُوا لِآدَمَ فَسَجَدُوا» (۱۴)

- انسان کامل امانتدار خداست :

«إِنَّا عَرَضْنَا الْأَمَانَةَ عَلَى السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَالْجِبَالِ...» (۱۵)

- انسان کامل معلم فرشتگان است :

«أَنبَأَهُمْ بِأَسْمَائِهِمْ» (۱۶)

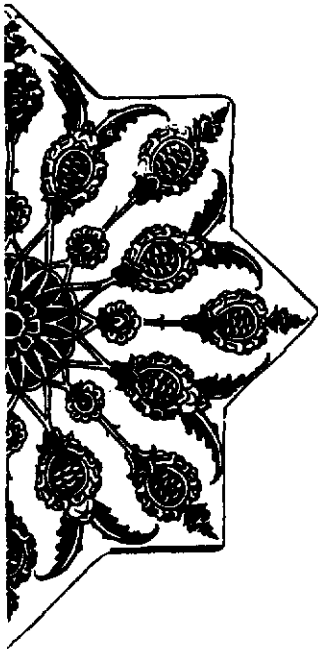
- انسان کامل شاگرد و متعلم از جانب خداست :

«وَعَلَّمَ الْإِنْسَانَ مَا لَمْ يَعْلَم» (۱۷) «الرَّحْمَنُ عَلَّمَ الْقُرْآنَ» (۱۸)

- انسان کامل شاگرد پیامبر اکرم ﷺ است :

«وَوَرِّثَهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ» (۱۹)

انسان یک قطره است و وقتی به دریا متصل شد ضمانت بقا پیدا می کند و حکم عمومی بی پایان بودن، شامل حال او



هم می‌شود. البته تعبیر (دریا) تعبیر رسا و زیبایی نیست، اما گاهی برای هضم مطلب باید وارد عالم فیزیکی شد. خداوند همه امور را به خود نسبت می‌دهد و از آن طرف انسان را در احسن وجه و خُلق آفرید و به عنوان مقام جانشینی و معلمی و امانتداری خود قرار داد. بین آن دسته آیات و این آیات هیچ تفاوتی وجود ندارد. وقتی انسان به تعبیر قرآن (خداگونه شود) دست و پا و چشم و گوش و فکر و ذهن او همه، کار خدایی می‌کند و در مسیر اراده الهی قرار می‌گیرد و چنین انسانی مقام خلافت الهی بر روی زمین را نصیب خود می‌گرداند و مردمی که این‌گونه باشند حکومت و دولت الهی را برپا می‌نمایند.

● افول مکاتب غربی در برابر مردم سالاری دینی

دو مکتب معروف «اومانیسم» و «اگزستانسیالیسم» بیشتر از سایر مکاتب مادی در باب انسان حرف زده‌اند و برای انسان خیلی اهمیت قائلند.

«اومانیست‌ها» می‌گفتند: ما دوران خدا محوری را پشت سر نهاده‌ایم، دیگر بحث انسان محوری است ما دیگر خودمان برای خودمان خدا داریم - خدای ما (انسان) و او محور است.

«اگزستانسیالیست‌ها» می‌گفتند: انسان اول موجود است و ماهیتی ندارد. چیستی ندارد. شخصیتی ندارد. بعد شخصیت او شکل می‌گیرد و باید ببینیم بعد چه چیزی را انتخاب می‌کند؟ چه چیزی را می‌خواهد؟

در انسان محوری و مردم سالاری لیبرالیسم غربی آنچنان افراطی عمل شده که جوامع غربی را در بحرانی بی‌پایان فرو برده است. در مردم سالاری لیبرال غربی، نظر و رأی عده‌ای به عنوان مردم، مبنی بر مختلط بودن مدارس، آزادی تبلیغات جنسی، برداشتن حجاب‌ها، آزادی هم‌جنس بازی و ... آنچنان تبلیغ می‌شود و به اسم آزادی به خورد مردم و نسل جوان می‌دهند که آنها باور کرده‌اند که مردم سالاری یعنی همین!

نقد اولی که می‌شود به این مکاتب زد، این است که اینها (انسان) را نشناخته‌اند. دانشمندان هنوز در شناخت مسائل طبیعت عاجز هستند. دانشمندان یک روز می‌گفتند اتم (نشکن) کوچک‌ترین ذره است و ذره‌های کوچک‌تر از اتم وجود ندارد. با پیشرفت علم و گسترش تحقیقات فهمیدند که اتم هم برای خود کهکشانی است. بعد گفتند (کوآرک) کوچک‌ترین ذره است، تا این‌اخر هم بحث کوآرک مطرح بود. تانظریه علمی دیگر، آمد و نظریه قبلی را درنوردید و دانشمندان گفتند که کوآرک هم کوچک‌ترین ذره نیست. یک پدیده خرد که در دست ماست. ما بر آن اشراف و شناخت نداریم و گذشت زمان عجز ما را نشان می‌دهد، چطور ما ادعا می‌کنیم که «انسان و نیازهای او را می‌شناسیم». نقد دومی که به این مکاتب وارد است، این است که وقتی آنها خود انسان را نشناخته‌اند چگونه می‌توانند کمال انسان را تشخیص دهند و او را به سمت کمال رهنمون شوند.

مسلم است تا وقتی انسان را نشناخته‌اند، نمی‌دانند کمال او چیست؟ و چگونه می‌توان به این کمال رسید؟ و کارها و فعالیت انسانی برای رسیدن به این کمال تا چه اندازه‌ای است؟ چگونه برای حرکت انسان به سوی کمال جاذبه ایجاد



با تا وقتی ما پزشکی را برای معالجه خود انتخاب نکرده‌ایم، آزادیم هر پزشکی را که می‌خواهیم انتخاب کنیم باید با تعقل و تفکر و بررسی و مشورت پزشک متخصصی را انتخاب کنیم و این انتخاب را با آگاهی کامل برای معالجه و عمل جراحی خود انجام دهیم. وقتی پزشک مورد اعتماد خود را انتخاب کردیم و او بر حسب تخصص و تشخیص به ما دستور داد که یک سری آزمایش‌ها را انجام دهیم و لباس عمل را بپوشیم، تا ما را بیهوش کند و عمل لازم را انجام دهد، دیگر نمی‌توانیم به پزشک بگوئیم ما این کارها را نمی‌کنیم، چون ما انتخاب کرده‌ایم و انتخاب ما با آزادی و آگاهی بوده است.

مردم سالاری دینی در قرآن مبتنی بر اختیار انسان است، مبتنی بر ایمان محوری است، مبتنی بر آگاهی و بصیرت دینی است، مبتنی بر حفظ منافع جمعی همه انسان‌ها است. فدا نشدن فرد در جامعه و فدا نشدن جامعه برای فرد. بلکه اگر اصطکاک منافع پیش بیاید هیچ وقت جامعه را فدای فرد نمی‌کنند. در قرآن آمده است: «وَلَكُمْ فِي الْقِصَاصِ حَيَاةٌ يَا أُولِي الْأَلْبَابِ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ» (۲۲).

این قصاص حیات است برای جامعه، ظاهر کار این است که او را می‌کشید ولی باطن کار این است که جامعه را احیاء می‌کنید.

● نقش مردم دیندار در حکومت اسلامی

نقش مردم دیندار در حکومت اسلامی که آن را با آگاهی کامل انتخاب کرده‌اند، چیست؟ نقش مردم دیندار در حکومت اسلامی این است که، به حکومت اسلامی تحقق می‌بخشند. شاید بارها شنیده باشید که امیرالمؤمنین علیه السلام در نهج‌البلاغه فرموده‌اند: «حکومت بدون حضور مردم منعقد نمی‌شود». خداوند تکلیف رهبری را مشخص فرموده است. مردم با رأی دادن و آمدن در صحنه و بیعت با رهبری می‌گویند: ما می‌خواهیم از رهبری الهی، از رهبری ولایت، برخوردار باشیم.

حضرت علی علیه السلام در خطبه سوم نهج‌البلاغه می‌فرماید: «لَوْلَا حُضُورُ الْخَاصِرِ وَ قِيَامُ الْحُجَّةِ بُوْجُودِ النَّاصِرِ وَ مَا أَخَذَ اللَّهُ عَلَى الْعُلَمَاءِ إِلَّا يَتَّزَوَّا عَلَى كِبَاطِهِمْ وَ لَا سَغَبٍ مَّظْلُومٍ، نَأْتَيْتُ حَبْلَهَا عَلَى غَارِبِهَا».

(اگر حضور فراوان بیعت‌کنندگان نبود و یاران، حجت را بر من تمام نمی‌کردند، و اگر خداوند از علماء عهد و پیمان نگرفته بود که در برابر (شکم بارگی) ستمگران و (گرسنگی) مظلومان سکوت نکنند، مهار شتر خلافت را بر کوهان آن انداخته، ره‌ایش می‌ساختم!)

امام علی علیه السلام می‌فرماید: اگر این دو مسأله نبود من حکومت را قبول نمی‌کردم، حضور مردم حجت شد برای امام علی علیه السلام، این یعنی مردم سالاری دینی. که قرآن ناطق امام علی علیه السلام به این زیبایی ترسیم می‌کند.

وجه دیگری که قرآن از نقش مردم دیندار در حکومت اسلامی برای ظهور مردم سالاری دینی بیان می‌دارد، مسأله شورا است. شورا یکی از جلوه‌های مردم سالاری است.

کنند؟ چگونه در او ایجاد شوق نمایند؟ چگونه برای استمرار راه رشد و کمال ضمانت ایجاد نمایند؟ و مکاتب غربی در پاسخ به این پرسش‌ها در مانده‌اند.
 یک جوان دانشجو گفته بود: به نظر من هر صد سال باید دین‌های جدیدی بیاید و در میدان اندیشه‌ها نیازهای جدید را پاسخ گوید. چون یک دین ثابت نمی‌تواند نیاز انسان‌های هر عصری را پیش‌بینی کند!



به ایشان گفتم: اشراف و تسلط واجب‌الوجود (هستی‌بخش) بر ممکن‌الوجود (انسان) امر مشخصی است، آینده برای من و شما آینده است، برای خدا آینده نیست. نیازهای انسان همیشه مشخص و ثابت بوده است، گذشت زمان نمی‌تواند نیازهای ثابت انسان را برهم زند و خالق انسان به خوبی به این نیازها پاسخ گفته است و ما نباید از حوادث و اتفاقات وحشت کنیم، بلکه باید متغیرها را به این ثابت‌ها برگردانیم، آن وقت خواهید فهمید که دین اسلام به عنوان کامل‌ترین دین برای بشریت، الی‌الابد پاسخگوی نیازهای تمام اعصار در گذشته و حال و آینده است.

● مبانی مردم‌سالاری دینی در قرآن کریم

دیدگاه قرآن نسبت به مردم‌سالاری حد وسط است مابین افراط و تفریط.
 قرآن می‌گوید: ای انسان در انتخاب دین، آزادی، تعقل کن، تفکر کن، اندیشه‌نما و دین خوب را انتخاب کن.
 قرآن می‌گوید: ای انسان در انتخاب حکومت، آزادی، بررسی نما و حکومتی که به تو کمال ببخشد، انتخاب کن.
 قرآن می‌گوید: «إِنَّا هَدَيْنَا السَّبِيلَ إِنَّمَا شَاكِرٌ أَوْ إِثْمًا كَفُورٌ» (۲۰).
 قرآن به انسان دست نخورده، به فطرت، آلوده نشده، به کسی که هنوز شاکر نشده، کافر نشده است، می‌گوید «إِنَّا هَدَيْنَا السَّبِيلَ» ما راه حق و باطل را به او نشان دادیم انتخاب با او است.
 ما در قرآن چقدر «یا ایها الناس» داریم، چقدر به انسان خطاب شده است که تو می‌توانی انتخاب کنی و انسان مختار است که اندیشه کند و راه مطلوب و خوب را انتخاب کند.
 اما وقتی ایمان آورد و خدا را با اختیار پذیرفت، دیگر نمی‌تواند بگوید من مجبور شدم یا تفکر نکردم و فعلاً هرطور دلم خواست رفتار می‌کنم.

«مَا كَانَ لِشُؤْمِنٍ وَلَا مُؤْمِنَةٍ إِذَا قَضَى اللَّهُ وَرَسُولُهُ أَمْرًا أَنْ يَكُونَ لَهُمُ الْخِيَرَةُ مِنْ أَمْرِهِمْ» (۲۱)

هیچ زن و مرد مؤمن حق ندارد وقتی خدا و رسول به او امر کردند بگویند هرطور دلمان خواست عمل می‌کنیم.
 مثال: تا وقتی ما سوار هواپیما نشده‌ایم، می‌توانیم مسیر خود را انتخاب کنیم، می‌توانیم با اختیار، با آگاهی، با بررسی لازم و تصمیم‌گیری مسیر و مقصد خودمان را انتخاب کنیم و بلیط آن هواپیما را بگیریم و سوار هواپیما شویم.
 وقتی در هواپیما نشستیم حق نداریم برویم در کابین خلبان و بگوئیم ما را به جای دیگر ببر، اصلاً این اجازه را به ما نمی‌دهند و به ما می‌گویند شما با فکر و تصمیم سوار هواپیما شده‌اید.

قرآن می‌فرماید: «وَ أَمَرَهُمْ شُورَىٰ بَيْنَهُمْ» (۲۳) و «وَ شَاوِرْهُمْ فِي الْأَمْرِ» (۲۴)

حضرت امام خمینی (ره) وقتی می‌خواستند مشارکت و حضور مردم را مطرح نمایند، هیچ قشری را از قلم نمی‌انداختند. وقتی می‌گوئیم مردم سالاری دینی، منظورمان حزب بازی، گروه بازی و جناح خاصی نیست بلکه تمام توده‌های مؤمن و دیندار است. امام امت یک قلب تپنده‌ای بود که خون را از سرچشمه قرآن و ولایت می‌گرفت و در رگ‌های این ملت مسلمان حرکت می‌داد در طول تاریخ آنچه توانسته است توده‌های مؤمن به اسلام را حرکت دهد و آنها را تشکّل دهد و به صحنه آورد، روحانیت و مرجعیت بیدار شیعه بوده امروزه خیلی‌ها خود را طلبکار انقلاب می‌دانند، هیچ حزب و جناحی نمی‌تواند ادعا کند که ما فقط در راه‌اندازی و پیشبرد این انقلاب مؤثر بوده‌ایم. آنچه تا به حال بوده حرکتی خالصانه است که امام خمینی (ره) در توده‌های عمومی ایمان آورده که خواهان اسلام بودند بوجود آورد و تا زمانیکه مردم برای خدا و حفظ اسلام و ارزش‌های نظام مقدس جمهوری اسلامی در صحنه باشند امدادهای الهی نصیب آنها خواهد شد.

رهبری رهبر فرزانه انقلاب، بعد از ارتحال امام راحل، تمدید همان جلوه‌های رهبری امام است که خداوند آن وجود پر جود را برای مردم قدردان، حراست نماید!

مصادر قرآنی:

- ۱-سوره سبأ آیه ۲۶
- ۲-سوره آل عمران آیه ۱۷۵
- ۳-سوره رعد آیه ۱۱
- ۴-سوره قصص آیه ۵۶
- ۵-سوره حمد آیه ۶
- ۶-سوره ضحی آیه ۷
- ۷-سوره انفال آیه ۱۷
- ۸-سوره حجر آیه ۹
- ۹-سوره واقعه آیه ۶۳ و ۶۴
- ۱۰-سوره زمر آیه ۲۹
- ۱۱-سوره تین آیه ۲
- ۱۲-سوره اسراء آیه ۷۰
- ۱۳-سوره بقره آیه ۳۰
- ۱۴-سوره بقره آیه ۳۲
- ۱۵-سوره احزاب آیه ۷۲
- ۱۶-سوره بقره آیه ۳۱
- ۱۷-سوره علق آیه ۵
- ۱۸-سوره الرحمن آیات ۱ و ۲
- ۱۹-سوره جمعه آیه ۲
- ۲۰-سوره انسان آیه ۳
- ۲۱-سوره احزاب آیه ۳۶
- ۲۲-سوره بقره آیه ۱۷۹
- ۲۳-سوره شوری آیه ۳۸
- ۲۴-سوره آل عمران آیه ۱۵۹

